

**هدف کلی:** تبیین دیدگاه فیلسوفان اسلامی درباره عقل و شناخت جایگاه عقل در فرهنگ اسلامی

### اهداف آموزشی

توجه به عوامل مؤثر در جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ اسلامی، به خصوص به قرآن کریم و پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) شناخت برخی از دیدگاه‌هایی که به عقل بی توجهی می کردند

توانایی بیان ویژگی‌های عالم عقل و موجودات عقلی نزد فلاسفه مسلمان

تبیین جایگاه عقل به عنوان قوه استدلال نزد فلاسفه مسلمان

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزده

سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



## عقل در فلسفه (۲)

- ۱- در تاریخ تمدن اسلامی کدام علوم رشد چشمگیری داشتند؟
- ۲- یکی از عوامل توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چیست؟
- ۳- جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان سبب چه حرکتی شد؟

در درس قبل، ضمن بیان معنا و ماهیت عقل، دیدگاه حکیمان و فلاسفه ایران و یونان باستان و نیز دیدگاه برخی از فلاسفه اروپایی را به اجمال بیان کردیم و تفاوت‌های آن دیدگاه‌ها را نشان دادیم. در این درس می‌خواهیم با نظرات فلاسفه مسلمان در این باره آشنا شویم و نظرات آنها را تا حد امکان با نظرات فلاسفه اروپایی مقایسه کنیم.

۱ (وقتی تاریخ تمدن اسلامی را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که در این تمدن، علوم عقلی و بخصوص فلسفه گسترش فراوان و رشد چشمگیری داشته است) در این دوره تمدنی فیلسوفانی را مشاهده می‌کنیم که شهرت جهانی دارند و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ شمرده می‌شوند.

۲ (یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت گرامی ایشان بود.)<sup>۱</sup> از این رو، عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه‌ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است) لذا کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد.

۳ (این جایگاه ممتاز، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه‌های مختلف شد و عموم شاخه‌های دانش، از جمله فلسفه، رشد فوق‌العاده‌ای کرد) با توجه به جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان، در آن دوره، مخالفت مستقیم و صریح با عقل کمتر صورت می‌گرفت و کسی علیه عقل سخن نمی‌گفت. به همین جهت، مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل، در شکل‌های دیگری ظهور کرد که عمده آنها عبارت‌اند از:

- ۴ ۱) تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛
- ۲) مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی.

۵ (در شکل اول، این جریان‌ها می‌کوشیدند نشان دهند که برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند، مرتکب خطا می‌شوند و به

دین آسیب وارد می‌کنند.)<sup>۵</sup>

۱. در درس نهم در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد.

۴- در جهان اسلام دو گونه جریان فکری با عقل مخالفت می‌کردند، آنها را بنویسید؟

۵- تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن یکی از شکل‌های مخالفت با عقل است آن را توضیح دهید؟

یکی از افرادی که دربارهٔ استدلال و برهان اظهار نظر کرده، ابن تیمیّه است. وی می‌گوید نه «برهان» و نه «تمثیل»، در الهیات و مابعدالطبیعه قابل استفاده نیستند؛ زیرا تمثیل حجتی است که در آن، حکمی را برای چیزی از راه شباهت آن با چیز دیگر ثابت می‌کنند؛ در حالی که خداوند شبیه و نظیر ندارد. در قیاس برهانی نیز کلیت کبری یک شرط اساسی است و باید به طور مساوی شامل همهٔ افراد شود؛ در حالی که قرار گرفتن خداوند با تعدادی از افراد به طور مساوی محال است؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «هر مجموعهٔ منظّمی یک نظم‌دهنده می‌خواهد»، این قضیه از نظر برهان هم شامل نظم‌های انسانی مانند یخچال و کولر می‌شود و هم شامل جهان خلقت. در هر دو مورد «نظم‌دهنده» لازم است؛ یعنی هم خدا نظم‌دهنده است و هم انسان. پس انسان شبیه خدا می‌شود و هم‌ردیف او می‌گردد. در حالی که خدا شبیه و هم‌ردیف انسان نیست و بنابراین، نمی‌توان از برهان برای اثبات این قبیل امور استفاده کرد.<sup>۱</sup>

فیلسوفان پاسخ می‌دهند که درست است که هم انسان نظم‌دهنده است و هم خدا، اما این شباهت به معنای یکسانی آن دو نیست؛ زیرا نظم‌دهندگی خداوند کامل است و هیچ خللی در آن نیست. اما نظم‌دهندگی انسان ناقص است و همواره می‌تواند کامل تر شود.

**بررسی:** نظر شما در این باره چیست؟ آیا در برهان، هم‌ردیفی میان خدا و مخلوق اتفاق می‌افتد؟ دربارهٔ تمثیل چه می‌گویید؟ آیا فلاسفه در استدلال‌های خود از تمثیل استفاده می‌کنند؟

.....

.....

دسته‌ای از دانشمندان علم کلام<sup>۲</sup> که اشاعره نام دارند، معتقدند که هیچ کاری ذاتاً خوب یا بد نیست و عقل هم نمی‌تواند خوبی یک کار و بدی کار دیگر را تشخیص دهد و سپس بگوید که خدا حتماً این قبیل کارها را انجام می‌دهد و آن قبیل کارها را انجام نمی‌دهد. این، به معنی محدود کردن قدرت اختیار خداست؛ در حالی که خدا

۱. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ج ۱، ص ۴۵ (ابن تیمیّه در سال ۶۶۱ هجری در منطقه حرّان، میان موصل و شام، متولد شد و در کودکی به دمشق مهاجرت کرد. وی در فقه و اصول و حدیث و کلام و تفسیر تحصیل کرد و از بزرگان مذهب حنبلی گردید. البته به دلیل افکار و بیانات سخت و تندی که علیه دیگر مذاهب اسلامی داشت، بارها به زندان افتاد تا اینکه در سال ۷۲۸ هجری در زندان دمشق درگذشت.)

۲. علم کلام یکی از شاخه‌های علوم دینی است که دربارهٔ عقاید یک دین، مانند اعتقاد به توحید و معاد بحث می‌کند. دانشمندی این شاخهٔ علمی را «متکلم» می‌گویند. اشاعره گروهی از متکلمین هستند که بین قرن سوم و چهارم هجری به صورت یک جریان فکری بزرگ در میان مسلمانان اهل سنت درآمدند. شخصیت بارز آنها ابوالحسن اشعری است که در حدود ۳۳۰ هجری وفات یافته است. در مقابل این گروه، جریان دیگری به نام معتزله قرار دارد که قبل از اشاعره پیدا شدند و شکل گرفتند. اولین رهبر آنان واصل بن عطاءست که در سال ۱۳۱ هجری درگذشته است. دیگر رهبر مشهور آنان قاضی عبدالجبار است که در سال ۴۱۵ هجری از دنیا رفته است. (آشنایی با علوم اسلامی، استاد مطهری، ج ۲، کلام و عرفان.)



### بیشتر بدانیم

از ابتدای شکل‌گیری فلسفه، کتاب‌هایی علیه فیلسوفان نوشته شده که یکی از مشهورترین آنها کتاب «تهافت الفلاسفه» (تناقض‌گویی‌های فیلسوفان) نوشته ابو حامد محمد غزالی متوفی ۵۰۵ هجری است. این کتاب ضربه سنگینی بر جریان عقل فلسفی وارد ساخت. هنوز نیم قرن نگذشته بود که کتاب دیگری با عنوان «مصارعة الفلاسفه» (بر زمین زدن و به خاک رساندن فلاسفه) نوشته محمد بن عبدالکریم شهرستانی وارد عرصه شد و ضربه‌ای دیگر وارد کرد. نوک پیکان هر دو کتاب هم متوجه ابن سینا بود. حمله غزالی بی‌پاسخ نماند و این رشد اندلسی با تألیف کتاب «تهافت التهافت» (تناقض‌گویی‌های تناقض‌گو) به دفاع از فلسفه برخاست. چندی بعد نیز خواجه نصیرالدین طوسی با نوشتن کتاب «مصارع المصارع» (به خاک رساندن به خاک رساننده) سستی و ضعف اندیشه‌های شهرستانی را آشکار ساخت.<sup>۱</sup>

۱. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ابراهیمی دینانی، ج ۱، ص ۲۶۶

قادر مطلق است و هیچ چیزی قدرت او را محدود نمی‌کند. هر کاری که او دستور دهد، همان خوب است و هر کاری که او منع کند، همان بد است. به این نظر می‌گویند: «حسن و قبح شرعی».

در مقابل، فلاسفه عقیده دارند که برخی از افعال حقیقتاً کمال محسوب می‌شوند و خوب‌اند و عقل می‌تواند خوبی آنها را تشخیص دهد؛ مانند عدل و راست‌گویی برخی از افعال نیز حقیقتاً نقص و عیب‌اند و بد شمرده می‌شوند و عقل می‌تواند به بدی آنها پی ببرد؛ مانند ظلم و دروغ‌گویی. بنابراین، ما می‌توانیم به کمک عقل خود بدانیم که خداوند که یک وجود کامل است و نقص در او راه ندارد، حتماً به عدل رفتار می‌کند نه به ظلم، گرچه بر هر کاری تواناست و این به معنای محدود کردن خدا نیست بلکه به این معناست که خداوند منزّه از ظلم کردن است. این دیدگاه را «حسن و قبح عقلی» می‌گویند.<sup>۱</sup>

**بررسی:** این دو دیدگاه را بررسی و مقایسه کنید و سپس از آنها نتیجه‌گیری نمایید.

### ۱- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون چه ایرادی به فلسفه گرفته‌اند؟

**شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه که بالاترین مرحله تعقل و خردورزی است، ظهور کرد.** از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته‌اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.<sup>۱</sup>

۲) در پاسخ به این سخن، فلاسفه می‌گویند جدا از اینکه بسیاری از آرای فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تحقیق کند. دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از

۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱، بخش عدل الهی، صص ۴۸ تا ۵۴ (متکلمین معتزله هم دیدگاهی نزدیک به فلاسفه دارند که نیازی به ذکر آن نیست).

۲- در پاسخ به سخن کسانی که می‌گویند دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده، فلاسفه چه پاسخی داده‌اند؟  
۳- دانش فلسفه چگونه دانشی است و به چه معناست؟

۱- آیا در دانش فلسفه بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است؟  
 ۲- دو مصداق عقل نزد فیلسوفان مسلمان را بنویسید؟

فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است<sup>۳</sup> البته همان طور که در سایر شاخه‌های دانش می‌توان از آرا و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره‌گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است لکن این استفاده همراه با نقد و بررسی قوت دلایل ارائه شده توسط آنهاست زیرا در درستی و نادرستی یک دانش عقلی فقط استدلال است که داور می‌کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن اندیشمند<sup>۲</sup>

## عقل نزد فیلسوفان مسلمان

### بیشتر بدانیم

فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی و سایر فیلسوفان عصر

حاضر، درباره هر دو کاربرد عقل سخن گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند:

۱) عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی؛

۲) عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت.

فارابی و به تبع او ابن سینا معتقد بودند که خداوند، ابتداء عقل آفریده و عالم ماده از طریق عقل دهم خلق شده است.

۳- فیلسوفان مسلمان روشن تر و دقیق تر از کدام فیلسوف چه عالمی را اثبات کرده‌اند؟

۱. عقل، به عنوان موجود متعالی و برتر از ماده

۳) فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هر اقلیتوس مرتبه‌ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالم عقول گذاشته‌اند<sup>۴</sup> از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده‌اند. این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت‌اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می‌رسد، عالم عقول را تشکیل می‌دهند<sup>۴</sup>

غیر این عقل تو، حق را عقل‌هاست که بدان تدبیر اسباب سماست<sup>۵</sup>  
 (آنان می‌گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می‌دهد نیز پرتوی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می‌تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می‌کنند، بیابد و مشاهده کند<sup>۵</sup>) یکی از عقول عالم عقل، «عقل فعال» نام دارد؛ این عقل، عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌هاست<sup>۶</sup> فارابی می‌گوید:

### واجب الوجود

عقل اول

عقل دوم

عقل سوم

عقل چهارم

عقل پنجم

عقل ششم

عقل هفتم

عقل هشتم

عقل نهم

عقل دهم

عالم طبیعت

۱. رساله علی بن ابی طالب و فلسفه الهی علامه طباطبایی مترجم: سید ابراهیم سید علوی، صص ۱۶ تا ۲۲.  
 ۲. مثنوی معنوی، دفتر پنجم.

۴- از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟  
 ۵- فارابی و ابن سینا معتقدند که کدام بخش از انسان پرتوی از عالم عقول است؟  
 ۶- یکی از عقول عالم عقل، عقل فعال نام دارد، وظیفه آن چیست؟

فارابی می گوید مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود. ۱

#### نکته

ملاصدرا، فیلسوف بزرگ عصر صفویه، در کتابی به نام «شرح اصول کافی» احادیث کتاب کافی را شرح کرده است. اولین حدیث این کتاب، حدیثی است از امام باقر علیه السلام درباره عقل. امام می فرماید: «هنگامی که خداوند عقل را آفرید، او را به سخن آورد. سپس به او گفت: نزدیک شو! عقل بلافاصله نزدیک شد. دوباره گفت: برگرد! عقل بلافاصله برگشت. در این هنگام، خداوند فرمود قسم به عزت و جلال خودم هیچ مخلوقی را نیافریدم که نزد من از تو محبوب تر باشد. من تنها تو را لایق امر کردن می دانم و تنها تو را از امور ناشایست بازمی دارم. در نتیجه، تنها تو را مجازات می کنم و تنها به تو پاداش می دهم.»<sup>۲</sup>

صدرالمتهلین در توضیح این حدیث می گوید: «این موجود که اشرف مخلوقات و محبوب ترین آنها به شمار می آید و عقل نام دارد، چیزی جز حقیقت روح اعظم نیست، و روح اعظم همان نفحه الهی است که خداوند هنگام آفرینش، در وجود آدم دمید.»<sup>۳</sup>

با مطالعه سخن امام باقر علیه السلام و بیان ملاصدرا، به سؤال های زیر پاسخ دهید.

۱ معنا و مفهوم فلسفی به سخن آمدن عقل چیست؟ نظر کدام فیلسوف یونانی با این عبارت قرابت و نزدیکی دارد؟

.....

۲ از فرمان خداوند به عقل برای نزدیک شدن و دور شدن و اطاعت آن توسط عقل چه برداشتی دارید؟

.....

۳ برداشت فلسفی صدرالمتهلین از این سخن امام باقر علیه السلام چیست؟

.....

۱. آرای مدینه فاضله، ص ۸۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، حدیث اول.

۳. این جمله آخر ملاصدرا به آیاتی از قرآن کریم اشاره می کند که درباره خلقت انسان است، از جمله به این آیه: «اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشرا من طين. فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين» (صص ۷۲ و ۷۳). برای توضیح بیشتر به کتاب ماجرای فکر فلسفی، ج ۲، ص ۳۳۶ مراجعه کنید.

۱- فیلسوفان مسلمان در رابطه با راه های شناخت چه عقیده ای دارند؟

۲- فیلسوفان مسلمان گفته اند که "ما فرزندان دلیل هستیم" منظور آنها از این جمله چیست و ابن سینا در این باره چه گفته است؟

۳- از نظر فارابی و ابن سینا عقل انسان چگونه کامل می شود؟

## ۲. عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

۱) عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه راه های عقلی شناخت و انواع استدلال ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند. آنان می گویند «ما فرزندان دلیل هستیم»<sup>۱</sup> و هر نظر و هر مکتب و آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می پذیریم. ابن سینا می گوید: «هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.»<sup>۲</sup>

۳) (فارابی و ابن سینا می گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند یعنی همان طور که انسان مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را می گذراند و رشد جسمی او تکامل می یابد، عقل نیز با تربیت مرحله ای را طی می کند و کامل می شود.)<sup>۳</sup> ۴- مراتب عقل را به ترتیب نام ببرید و هر کدام را تعریف کنید؟

۴) (اولین مرحله عقل، عقل هیولائی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، مانند نوزادی که تازه متولد شده است.)

دومین مرحله، عقل بالملکه نام دارد. در این مرحله عقل درکی اولی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند.

سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.

چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است، زیرا در این مرحله انسان به طوری بردانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده کند، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند.)<sup>۴</sup>

عقل هیولائی ← عقل بالملکه ← عقل بالفعل ← عقل بالمستفاد **بررسی\***

آیا دیدگاه فیلسوفان اسلامی درباره عقل به معنای دستگاه تفکر و استدلال میان سایر فیلسوفان هم رواج دارد؟ پاسخ خود را با توجه به آنچه در کتاب سال قبل و درس های پیش آموخته اید، مطرح کنید.

۵- مبنای مشترک عموم فیلسوفان مسلمان درباره ی عقل چیست؟

با توجه به این مبنای مشترک، عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که:

۱) پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هر چند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجّت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست. بنابراین، ایمانی ارزشمند

۱. نحن ابناء الدلیل.

۲. من نعوذ ان یضیق بغير دلیل فقد اخلع من کسوة الانسانیة (الاشارات و التنبیها).

۶- از نظر فیلسوفان مسلمان چه ایمانی ارزشمند است؟

- ۱- ما چگونه می توانیم به معارف قرآن پی ببریم؟
- ۲- کدام فلاسفه کتابهای بسیار ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشته اند؟
- ۳- آیا از نظر فیلسوفان مسلمان اساس پذیرش هر اعتقاد و ایینی فقط استدلال است؟ توضیح دهید
- ۴- از نظر فیلسوفان مسلمان آیا استدلال عقلی و شهود و وحی هر سه انسان را به حقیقت می رسانند؟



است که پشتوانهٔ عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشانند. ۶

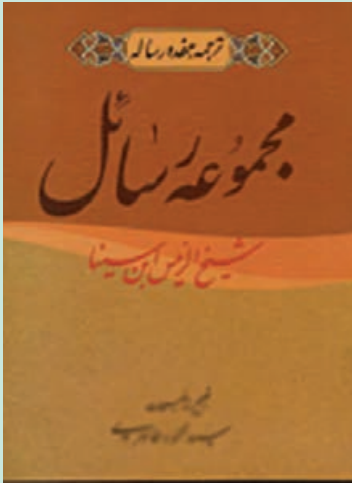
۲ عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است (ما به کمک عقل در آیات قرآن می اندیشیم و با تفکر و تدبّر در آیات، به معارف قرآن پی می بریم) به همین جهت (برخی از فیلسوفان، از جمله ملاصدرا و علامه طباطبایی کتاب های بسیار ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشته اند و از این طریق به حقایق بسیاری دست یافته اند) ۲

۳ (۲) فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و ایینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند. از این رو، برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند) آنان همچنین وحی را عالی ترین مرتبهٔ شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.

۴ (از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود. البته ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم و به نتیجه های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد) (در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح نموده و از توهم و گمان تعارض میان یافته های عقلی و دستاوردهای وحیانی رهایی یابیم) از این رو، (ملاصدرا می گوید: «مکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند.») ۶

۱. الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۳۰۳ (رجوع شود به کتاب فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه السلام از عبدالله جوادی آملی و کتاب قرآن و عرفان و برهان از حسن حسن زاده آملی و کتاب علی علیه السلام و فلسفه الهی از مرحوم علامه طباطبایی.)

- ۵- برای حل تعارض میان دستاوردهای عقلی و داده های وحی باید چه اقداماتی را انجام دهیم؟
- ۶- ملاصدرا امکان چه چیزی را رد می کند و بر کدامین فلسفه نفرین می فرستد؟



ابن سینا رساله‌ای به نام «معراجیه» دارد. وی در مقدمه این رساله می‌گوید: «شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیا و خاتم رسولان ﷺ چنین گفت با مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزینه عقل، امیرالمؤمنین علی که ای علی، چون می‌بینی که مردم با انواع نیکی‌ها به سوی خالق خود تقرب می‌جویند، تو به انواع تعقل و تفکر به او تقرب جوی تا از آنان سبقت‌گیری»<sup>۱</sup> و این خطاب جز با چنین بزرگی ممکن نبود؛ زیرا او (علی) در میان خلق مانند «معقول» در میان «محسوس»<sup>۲</sup> بود، لاجرم چون با دیده بصیرت به ادراک اسرار شتافت، همه حقایق را دریافت و دیدن یک حکم دارد که گفت، «اگر پرده کنار رود، بر یقین من افزوده نمی‌شود.»<sup>۳</sup>

درباره گفته ابن سینا فکر کنید و بگویید:

**۱** به نظر شما عبادت با انواع تعقل چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یکی اینکه انسان اهل تفکر باشد و در نعمت‌های الهی و جهان خلقت تفکر کنند، دوم اینکه انسان عبادات

اعمال و رفتار خود را با تفکر توأم کند و با فکر و اندیشه انجام دهد

**۲** توصیفات ابن سینا از پیامبر ﷺ و امام علی علیهما السلام نشان‌دهنده چیست؟ نشان‌دهنده که این دو بزرگوار برترین انسانهای عاقل و حکیم هستند و قدرت عقلی آنان در بالاترین حد است

**۳** با توجه به شخصیت فلسفی ابن سینا، این بیان وی چه پیامی در بردارد؟

پیام فلسفی این جمله این است که ابن سینا که خود یک فیلسوف بزرگ است، دین اسلام را یک دین کاملاً

عقلانی و منطقی یافته و رهبران این دین را انسان‌هایی مشاهده کرده که در بالاترین مرتبه عقل و عقلانیت هستند

۱. «یا علی، إذا رأيت الناس يتقربون إلى خالقهم بأنواع البر تقرب أنت إليه بأنواع العقل تسبهم.» این جمله با اندکی تفاوت در کتاب‌های مشکاة الانوار و حلیة الاولیاء آمده است (موسوعة الامام علی، محمد محمدی ری شهری، ج ۸، ص ۴۰۶ پاورقی).  
امیرالمؤمنین که لذت عبادت با عقل را چشیده بود، می‌فرماید: «ما عبد الله بشيء أفضل من العقل...؛ خداوند با چیزی بهتر از عقل عبادت نشده است...» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸).

۲. امور معقول، مانند فرشتگان، امور محسوس مانند حیوانات و گیاهان و جمادات.

۳. «لو كُشف الغطاء ما زددت يقيناً» (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۹، ص ۲۰۹)؛ مقصود امام این است که ایمان و یقین من به آخرت مانند ایمان و یقین کسی است که با چشم خود آخرت را مشاهده می‌کند.



۱ عامل اصلی توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چه بود؟

عامل اصلی توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام قرآن کریم و سیره معصومین (ع) است

۲ مخالفت با عقل در جهان اسلام در چه قالب‌ها و اشکالی صورت می‌گرفت؟ چرا؟

مخالفت با عقل به صورت مستقیم کمتر صورت گرفته اما در دو قالب خود را نشان داده است و علت اینکه مخالفت با عقل در اسلام و به خصوص در میان پیروان ائمه کمتر جدی گرفته شده، توجه قرآن کریم و معصومین بزرگوار به عقل بوده است

۳ در مورد رابطه عقل و دین چه تفاوت اساسی میان فیلسوفان مسلمان با رهبران کلیسا وجود دارد؟

رهبران کلیسا، به خصوص در دوره اول قرون وسطی مخالف سرسخت عقل بودند و میان ایمان دینی و عقل تضاد می‌دیدند اما عموم فیلسوفان مسلمان معتقد به همراهی عقل با دین بودند

۴ چرا فیلسوفان مسلمان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم نشدند؟

فیلسوفان مسلمان همه توانایی‌های شناخت، اعم از عقل و حس و شهود و وحی را قبول داشتند و همانطور که افلاطون و ارسطو هم حس و هم قیاس را قبول داشتند، فیلسوفان مسلمان نیز هم حس و هم قیاس عقلی را معتبر می‌دانند

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید.

۱ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ج ۱ و ۲.

۲ آشنایی با علوم اسلامی، استاد مطهری، ج ۲ (کلام و عرفان).

۳ نصیرالدین طوسی فیلسوف گفت‌وگو، غلامحسین ابراهیمی دینانی.

۴ هزاره ابن سینا (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، اسفند ۱۳۵۹).

۵ عدل الهی، استاد مطهری، انتشارات صدرا.

۶ علی و فلسفه الهی، علامه طباطبایی.

۷ عقل و اعتقاد دینی، جمعی از نویسندگان، انتشارات طرح نو.

۸ علم، عقلانیت و دین، امیرعباس علی زمانی، دانشگاه قم.

۹ دفاع از عقلانیت، محمد فنایی اشکوری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.